

اصول مناظره و آزاداندیشی با تکیه بر مناظره‌های امام رضا^(ع)

عباس مصلائی پور*، مریم سلیمی**

چکیده

از شیوه‌های تبیین معارف دینی در مکتب اهل بیت^(ع)، در مواجهه با اندیشه‌های مخالفان اسلام، مناظره‌ها و احتجاج‌هایی بوده است که ائمه معصومین^(ع) یا تربیت‌یافتگان آنها در طول تاریخ انجام دادند. این مقاله که به شیوه توصیفی - تحلیلی به رشته تحریر درآمده با نگاه تدبیرمحورانه به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که مهم‌ترین اصول حاکم بر مناظره و آزاداندیشی از منظر امام رضا^(ع) چیست؟ بر اساس تحقیق به عمل آمده در مناظره‌های امام رضا^(ع)، آشنایی با مکاتب و مذاهب، بیان اصول و معیارهای عقلانی، آزادگی و روح علمی و تسلط بر علوم از مهم‌ترین اصول مناظره نزد حضرت رضا^(ع) است. مهم‌ترین اصول آزاداندیشی نزد آن حضرت، سلامت انگیزه، پاسداشت صاحبان اندیشه، انصاف علمی و جلوگیری از مواردی همچون داوری عجولانه، اسطوره‌گرایی و شخصیت پرستی، نوگریزی و نوشتنیگی، بیگانه پرستی و خودکم‌بینی، دل‌بستگی‌های حزبی و جناحی و وابستگی حاکمیت سیاسی است. این اصول کاربردی، می‌تواند الگویی برای تدوین سند چگونگی یک مناظره صحیح و اخلاق‌محور در میان تمامی اندیشمندان ادیان و مذاهب در سراسر دنیا باشد و در این صورت است که می‌توان گفت آزاداندیشی، منجر به رفتارهایی که موجب انحطاط ارزش‌های اخلاقی انسان است، نمی‌شود.

کلیدواژه‌ها:

مناظره، آزاداندیشی، امام رضا^(ع)، اصول مناظره، اصول آزاداندیشی

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۹/۱۵

amusallai@gmail.com

m.salimi81@yahoo.com

*. دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق^(ع)

** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی

❖ مقدمه

سال اول، شماره سوم، شماره مسلسل ۳، پاییز ۱۳۹۳

ما مسلمانان بر این باوریم که خدای حکیم، همواره سفیرانی برای راهنمایی نوع بشر به سوی سعادت حقیقی گسیل داشته است. در پرتو راهنمایی آنان و به‌کار گرفتن نسخه شفابخش رفتاری، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی آنان می‌توان به بی‌نقص‌ترین زندگی دست یافت. با توجه به موقعیت زمانی و جغرافیایی امام رضا^(ع) امکان گفتگو، تعامل و مناظره‌های آن حضرت نسبت به سایر ائمه^(ع) بیشتر بود، زیرا دوران پر حادثه امامت ایشان دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که به جهت اثرگذاری آن حضرت در سرنوشت مذهب به‌حق علوی از جوانب و زوایای گوناگون قابل توجه است. وضعیت خاص خلافت عباسیان و وجود اختلاف‌های شدید داخلی، نشستن مأمون بر مسند خلافت با نگرشی متفاوت به علویان، دانش دوستی او که موجب ترجمه کتاب‌های یونان شد، گرایش وی به مذهب اعتدال و ... از جمله آثار این عرصه استثنایی به‌شمار می‌رود. علاوه بر این، با ترتیب جلسه‌های مناظره، امام رضا^(ع) فضای گفتگو و تعامل را گسترش دادند. آن حضرت در تمامی مناظره‌هایشان از قوی‌ترین استدلال‌های منطقی بهره جستند و با تمسک به داشته‌های طرف مناظره، راه هرگونه مغالطه را بر آنان بستند. بر این اساس می‌توان گفت در جلسه‌های مناظره، فردی می‌تواند پیروز باشد که با دلیل و همراه اعتقاد و تعبد، اسلام را جوهری پایدار و جوابگوی ابدی نیازهای روز هر زمان و مکان بداند و از سوی دیگر قادر به شناخت واقعیت‌ها و نیازهای جوامع زمان خود باشد. دغدغه اصلی این نوشتار پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین اصول حاکم بر مناظره و آزاداندیشی از منظر امام رضا^(ع) چیست؟ بررسی اصول مناظره و آزاداندیشی امام رضا^(ع)، می‌تواند الگویی مناسب فراروی محققان و پویندگان عرصه‌های فرهنگی و علمی باشد. این موضوع به‌رغم اهمیت شایان آن، تاکنون به صورت مستقل و تطبیقی مورد مطالعه قرار نگرفته است و نیز در ارتباط با این مبحث این مطلب نادرست می‌باشد که ریشه آزاداندیشی در غرب است، زیرا در قرآن کریم بر خردورزی و اندیشیدن تأکید شده است: تفکر در آفرینش انسان و کیفیت خلق او، اندیشیدن در دنیا و

❖ سال اول، شماره سوم، شماره مسلسل ۳، پاییز ۱۳۹۲

آخرت، اندیشیدن در قدرت الهی و... و نیز از پیامبر اکرم^(ص) و ائمه معصومین^(ع) احادیث متعددی در این باره آمده است. از نوآوری‌های این نوشتار، تبیین نحوه به‌کارگیری اصول مناظره و آزاداندیشی امام رضا^(ع) و نیز تبیین لزوم پایبندی به اصول مناظره و آزاداندیشی در برابر سایر ادیان و مذاهب است.

مناظره

بیان کلیاتی درباره چستی، هدف و شرایط مناظره، راه را برای فهم بهتر مناظره‌های حضرت هموار می‌سازد.

۱. چستی مناظره

مناظره در حقیقت مرحله محک زدن رأی و نظر و به داوری گذاشتن سخن و دیدگاه مورد دفاع است. از همین رهگذر باید با کمال دقت به انجام رسیده و تمام جوانب سخن سنجیده و بیان شود. تجزیه و تحلیل کلمه‌ها، جمله‌ها و دقیق شدن در تمامی ابعاد سخن و التزام عملی بر واژگان مورد استفاده در یک مناظره، نشان از آن دارد که ۱. منطقی که مناظره بر آن استوار است بر پایه و اساس درستی بنیان نهاده شده و ۲. مناظره‌کننده کسی است که به‌نظر خود بر جان حقیقت دست یافته و در موضع حق و دفاع عقلانی از اندیشه خود، ایستاده است (پاشا صالح، ۱۳۱۷ ش: ۷).

۲. هدف مناظره

هدف از مناظره، همیشه «بیان برتری خود (یک طرف) بر دیگری» نیست. هدف اصلی مناظره‌های رسمی، رسیدن به حقیقت یک امر است؛ اما این هدف همیشه در مناظره‌ها لحاظ نمی‌شود. یکی دیگر از اهداف مناظره، آموزش است؛ آموزشی غیرمستقیم که به‌دلیل شیوه خاص مناظره در اذهان ماندگار است (شهید ثانی، ۱۳۷۴ ش: ۵۵۱ - ۵۴۷). همچنین نتایجی دیگر نیز به‌طور غیرمستقیم به‌دست می‌آید که برخی از آنها عبارت‌اند از:

- ورزش ذهن و تقویت آن در نحوه به‌کارگیری از براهین و استدلال‌های مورد نیاز در مطالب علمی و غیره؛

- آسان‌سازی دسترسی نوآموزان برای علوم سخت چون با به‌کارگیری فنون جدل و مناظره می‌توان استدلال‌های سخت و مشکل را در قالب فنون این علم قابل فهم‌تر ساخت؛
- افزایش توان چیره شدن بر خصم در نزاع‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره از طریق مناظره؛

- افزایش توان مسئولان و مدیران در برقراری هماهنگی و تابع ساختن افراد زیرمجموعه خود؛

- اعطای مهارت هرچه بیشتر به وکلا در محاکم و دادگاه‌ها برای احقاق حقوق موکلان خود به‌حلی که بدون این مهارت، نیل به حقوق آنها غیرممکن به‌نظر می‌رسد (عصیری، ۱۳۸۹ش: ۷۰ - ۶۵).

۳. شرایط موفقیت در مناظره

برای موفقیت و پیروزی در مناظره لازم است مناظره‌کننده شرایط و خصوصیتی را در نظر بگیرد، از آن جمله:

مشخص شدن محدوده بحث

دو طرف مناظره باید در ابتدای بحث، محور و محدوده بحث خود را مشخص کنند، که در چه موضوعی بحث می‌نمایند و باید مخاطب را ملزم ساخت تا از محدوده بحث طفره نرفته و خارج نشود؛ زیرا برخی به مجرد آنکه خود را در مناظره ضعیف می‌بینند از موضوع بحث خارج شده و به بحثی دیگر می‌پردازند (رضوانی، ۱۳۸۷ش: ۳۶).

حفظ چارچوب بحث هنگام مناظره

در بین بحث، گفتگو و مناظره، اگر مخاطب خواست به تعهد خود خیانت کرده و بحث

را منحرف کند باید به او تذکر داد و او را به مسیر اصلی بحث کشاند (همان: ۳۶).

خارج نشدن از بحث، قبل از اعتراف به حق

مناظره‌کننده باید مواظب باشد مخاطبش بحثی را که شروع کرده و بر آن استدلال آورده، تا اعتراف و اقرار به حقانیت آن نکند، وارد بحث دیگر نشود؛ زیرا اعتراف به حقانیت، اثر روانی بسزایی در روحیه طرف مقابل دارد و می‌تواند در پذیرش قلبی حق و شکسته شدن هیبت او مؤثر باشد (همان: ۳۷).

شروع از مسلمات و محکّمات

هنگام بحث و مناظره درباره موضوعی، از ادله محکم، عقل قطعی و نص بدون شک و شبهه استفاده شود تا مخاطب در برابر آن سر تعظیم فرود آورد. دلیل محکم و قوی از دهها دلیل ضعیف کارگشایتر و اثرگذارتر است (همان).

ملاحظه حال شنونده

هنگام مناظره و گفتگو، اگر شنونده و شرکت‌کننده‌ای وجود دارد که سخنان ما را می‌شنود و در آن تأمل می‌کند باید حال آنان را در نظر گرفته و طوری بحث را مطرح کنیم که آنان نیز خوب بفهمند و به‌گونه‌ای نشود که نزد آنان مغلوب به حساب آییم (الحسن، ۱۴۱۵ق: ۳۵).

استفاده از پاسخ نقضی

پاسخ نقضی، آوردن نمونه برای موضوع است، که اگر در متون معتبر، مستند و صحیح باشد می‌تواند در تقریب مطلب به ذهن مخاطب و تسلیم او مؤثر باشد (رضوانی، ۱۳۸۷ش: ۳۸).

نقل دقیق آدرس‌ها

مناظره‌کننده اگر آیات یا حدیثی را می‌خواند باید بتواند منبع آن را دیده و به‌طور دقیق ضبط و حفظ نموده باشد (همان).

همراه داشتن منابع مورد نیاز

مناظره‌کننده در صورت امکان حتماً باید منابع بحثی را که مورد مناظره و گفتگوی خود با دیگری قرار داده همراه خود داشته باشد تا در صورت لزوم به او نشان دهد (همان).

عدم اکتفا به نقل دیگران

مناظره‌کننده نباید تنها به نقل دیگران اکتفا کند و در بحث آنرا مطرح نماید؛ زیرا چه بسیار دیده شده که نقل‌ها کم و زیاد گشته و در نتیجه، معنا تغییر پیدا کرده است، لذا وظیفه ما این است که قبل از بحث و مناظره، روایت یا مطلبی را که می‌خوانیم به آن استشهاد و نقل کنیم و آنرا دیده و درست به‌خاطر بسپاریم (همان: ۳۹ - ۳۸).

رجوع به منابع دست اول

برخی کتاب‌هاست که به‌عنوان دست دوم و سوم به‌حساب می‌آید و صاحبان آنها مطالب را از کتاب‌های دست اول نقل کرده‌اند. وظیفه مناظره‌کننده این است که به منابع دست اول مراجعه کنند و به منابع پایین‌تر اکتفا ننمایند (همان: ۳۹).

فنون مناظره از نظر امام رضا^(ع)

عصر امام رضا^(ع) که به زمان ظهور نهضت ترجمه شهرت یافت، زمانی بود که بحث‌های اعتقادی و کلامی به اوج خود رسید و مناظره‌های علمی رونقی مضاعف یافت، از این‌رو آن حضرت که دانش خود را از اجداد بزرگوارش به ارث برده بود و سرچشمه جوشانی از علم در سینه داشت، افزون بر توجه دادن جامعه اسلامی به معارف و حیانی، با استفاده از عقل به‌عنوان ابزاری کارآمد در مباحث کلامی، به پاسخگویی به شبهه‌ها و انحراف‌های فکری و عقیدتی پرداخت. منظور از فن، شگردها و ابزار است که ما را در رسیدن به نتیجه مطلوب راهنمایی می‌کند، از آنجا که هر کاری فن خاص خود را دارد، مناظره نیز از این امر مستثنی نبوده و دارای فنون خاصی است که رعایت این فنون در پیشبرد مقاصد علمی و عقیدتی

مناظره مفید و مؤثر است. در این مقاله به دو مورد از مهم‌ترین این فنون اشاره می‌شود:

۱. به‌دست آوردن مبانی طرف مقابل

در مناظره لازم است فرد مناظره‌کننده، مبانی طرف مقابل را به‌دست آورده و بر اساس آن مبانی، وارد بحث و مناظره شود. در جلسه مناظره امام رضا^(ع) با مخالفان، جاثلیق^۱، به حضرت عرض می‌کند: «چطور با کسی بحث کنم که استدلالش بر مبنای کتابی است که منکر آن هستم و به پیامبری استدلال می‌کند که به آن ایمان ندارم؟» امام رضا^(ع) فرمود: «ای مسیحی! اگر به انجیل تو، استدلال کنم به آن اقرار می‌کنی؟» جاثلیق گفت: «آری، به‌رغم میل‌مندان اقرار می‌کنم» (ابن بابویه، ۱۴۱۵ق: ۴۲۰). بنابراین امام رضا^(ع) با هر گروه از مخالفان، بر اساس مبانی آنها به مناظره پرداخت و اصولاً این‌گونه مناظره کردن هنر مناظره‌کننده است.

۲. استفاده بجا و مناسب از مبانی طرف مقابل

یکی از فنون مناظره این است که فرد محاجه‌کننده، برای اثبات باطل بودن نظر طرف مقابل، از مبانی خود او استفاده می‌کند و به کمک آن مطالب، عقاید او را به کلی طرد و باطل می‌سازد. امام رضا^(ع) در مناظره با فرد مسیحی فرمود: «ای مسیحی! سوگند به خدا، ما به عیسی^(ع) که به محمد^(ص) ایمان داشت، ایمان داریم و بر عیسی‌ای شهادت می‌گیریم، جز آنکه نماز و روزه‌اش کم بود.» نصرانی گفت: «سوگند به خدا علمت را فاسد کردی و کارت را ضعیف ساختی؛ من فکر می‌کردم که تو، داناترین مسلمانان هستی.» امام رضا^(ع) فرمود: «چطور؟» نصرانی گفت: «از سخن تو که می‌گویی عیسی‌ای شما کم روزه و کم نماز بود، در حالی که عیسی^(ع) حتی یک روزه افطار نکرد و یک شب هم نخوابید و در طول عمر،

۱. (جاثلیق - به کسر ث و لام - لفظ یونانی به معنای رئیس اسقف‌ها و پیشوای عیسوی است؛ لقبی است که به علمای بزرگ نصاری داده می‌شد و نام شخص خاصی نیست، به‌نظر می‌رسد معرب «کاتولیک» باشد (دهخدا، ۱۳۷۷ش: ج ۵، ۳۳۴) (برای مطالعه تفصیلی مناظره امام با جاثلیق مسیحی، رک به: ابن بابویه، ۱۳۷۲ش: ۱۰۸-۱۰۳).

روزه‌دار و هر شب، شب زنده‌دار بود.» امام رضا^(ع) فرمود: «برای چه کسی روزه می‌گرفت و نماز می‌خواند؟» زیان نصرانی بسته شد و سخنش قطع شد (ابن بابویه، ۱۴۱۵ق: ۴۲۲).

شیوه مناظره‌های امام رضا^(ع)

شیوه در لغت عبارت است از: «راه و روش، قاعده و قانون، سبک و اسلوب» (دهخدا، ۱۳۷۷ش: ج ۳۱، ۲۲۹؛ برهان، ۱۳۶۲ش: ۱۳۲۹). در اصطلاح طریقه‌ای است که هر صاحب اندیشه‌ای برای رسیدن به مراد و مقصود خود برمی‌گزیند. امام رضا^(ع) برای حفاظت از حریم دین و پیشگیری و پیراستن دامن پاک آن از تحریف عالم‌نمایان، همواره با روش‌های ایده‌آل و جذاب علمی و فرهنگی می‌کوشیدند تا مناظره‌ها، همیشه در مسیر عزت و سربلندی اسلام و تشیع نتیجه‌بخش و سودمند باشد. مهم‌ترین شیوه‌های حضرت به شرح زیر است:

۱. بیان اصول و معیارهای کلی و عقلانی و استناد به مبادی منطقی

امام رضا^(ع) در مواجهه و مناظره با زنادقه و ملحدان که به هیچ کتاب یا خدایی معتقد نبودند از روش عقلی و استدلال بهره می‌جستند. همین‌طور با اهل کتاب از طریق استدلال عقلی و بر اساس اشتراک‌های دینی به رفع اشکال‌ها و به اثبات حقانیت اسلام می‌پرداختند، زیرا بدون تعقل نمی‌توان تناقض‌های بین ادیان را رفع کرد (قرشی، ۱۳۸۲ش: ۱۷۲).

۲. داشتن سعه‌صدر و انصاف

امام رضا^(ع) در طول مناظره، تسلط و آرامش خاصی داشتند و در بعضی موارد نیز گل لبخند بر لبانشان شکوفا بود. این موجب می‌شد طرف مقابل با آزادی و راحتی سؤال کند و به بحث ادامه دهد. انصاف کامل هم از دیگر نشانه‌های شخصیت علمی و ارزشی امام رضا^(ع) بود. امام، هم خود انصاف را رعایت می‌کرد و هم اگر طرف مقابل سخن علمی می‌گفت و استدلال درستی داشت ضمن تأیید، او را تشویق و ترغیب می‌کرد. از این برتر

گاه به انصاف وی نیز اقرار می‌کرد. یعنی می‌فرمود: «انصاف به خرج دادی» (قلندری بردسیری، ۱۳۷۹ش: ۴۰).

۳. برخورداری از آزادگی و روح علمی

اقتدار علمی امام رضا^(ع) و شخصیت الهی آن حضرت موجب شده بود که ایشان از روحی بلند و آزادگی والایی برخوردار باشند. بر اثر این روح علمی، در سراسر مناظره از هر گونه امر ناشایست و ناروا پیراسته و به همه ارزش‌ها و فضیلت‌های زیبا آراسته بود، نه جدلی در کار بود و نه حيله، نه مخاصمه و نه هیاهو، نه لغزش و غفلت و نه هیچ امر نادرست دیگر. به جهت همین آزادگی و روح علمی است که امام رضا^(ع) در مناظره‌هایشان، ابتدا از طرف مقابل درخواست می‌کردند سؤال بپرسند. به این سبب به رأس‌الجالوت، پیشوای بزرگان یهودیان فرمود:

تَسْأَلَنِي أَوْ أَسْأَلُكَ؟ فَقَالَ بَلْ أَسْأَلُكَ وَ لَسْتُ أَقْبَلُ مِنْكَ حُجَّةً إِلَّا مِنَ التَّوْرَةِ أَوْ مِنَ
الْإِنْجِيلِ أَوْ مِنَ زُبُورِ دَاوُدَ أَوْ مَا فِي صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى؛ از من می‌پرسی یا من از تو
بپرسم؟ ولی هیچ دلیلی را از تو نمی‌پذیرم؛ مگر اینکه در تورات یا انجیل یا زیور
داوود یا صحف ابراهیم و موسی باشد (طبرسی، ۱۳۸۶ش: ۴۱۷).

۴. تکریم طرف مناظره

تکریم طرف مناظره یکی دیگر از روش‌های امام رضا^(ع) بود. مناظره بین امام و عمران نمونه‌ای از آن است. آنگاه که عمران، اسلام آورد امام او را تکریم نموده و دنبال او فرستادند. وقتی عمران وارد شد امام خوشامد گفته و محترمانه استقبال نمودند. از آن پس بود که نزد امام می‌آمد و از علم فراوان آن حضرت بهره می‌برد و خود یکی از دعوت‌کنندگان به اسلام شد. حکیمان، صاحبان اندیشه و بدعت‌گذاران نزد او می‌آمدند و از وی درباره بهترین مسائل سؤال می‌کردند. عمران نیز به پرسش‌های آنها پاسخ می‌داد (ابن‌بابویه، ۱۳۷۲ش: ۱۷۸ - ۱۶۸).

۵. عنایت به احکام الهی

امام رضا^(ع) حتی در اوج مناظره و بحث، به احکام الهی کاملاً عنایت داشتند. در جلسه مناظره با عمران آنجا که بحث حساس شده بود، صدای اذان بلند شد و امام برای نماز برخاستند. عمران عاجزانه درخواست کرد که امام بحث را ادامه دهد چون دلش نرم و آماده پذیرش مطلب شده بود. اما امام با آرامش فرمودند: «بعد از خواندن نماز برمی گردیم.» سپس به اقامه نماز مشغول شدند و بعد از نماز دوباره بحث را ادامه دادند (مجلسی، ۱۳۷۶ش: ج ۱۰، ۳۱۳ - ۳۱۲). روشن است که منطقی و هدف امام از بحث‌ها و مناظره‌ها، تبیین و اجرای تعالیم الهی بود (عمادزاده، ۱۳۶۱ش: ۲۷۸ - ۲۷۶).

۶. تسلط بر علوم و زبان‌های مختلف

از امتیازهای چشمگیر امام رضا^(ع) در مناظره‌ها، تسلط کامل علمی حضرت نسبت به موضوع‌های گوناگون است. چنان‌که در مناظره با جاثلیق، اطلاع حضرت از متون تورات، انجیل و شناخت شخصیت‌های برجسته عالم یهودیت و مسیحیت از عوامل بزرگ موفقیت حضرت بودند (مجلسی، ۱۳۷۶ش: ج ۴۹، ۱۷۵).

۷. تفویض مسئولیت به تازه‌مسلمانان

یکی از شیوه‌هایی که امام رضا^(ع) در برخورد با طرف مناظره اعمال می‌کردند، استفاده از نوگروندگان به آیین اسلام بود. حضرت رضا^(ع) پس از آنکه عمران صابی مسلمان شد، روی او سرمایه‌گذاری و برای مناظره با مخالفان آماده کردند (قرشی، ۱۳۸۲ش: ۲۰۸ - ۱۹۲).

۸. تکیه بر اصول مشترک بین ادیان

آنچه در مناظره می‌تواند باعث نتیجه‌بخشی باشد، توجه به اصول مشترک بین ادیان است. امام رضا^(ع) هم، در مناظره‌هایشان بر این نکته توجه داشتند. همچنان‌که در مناظره با اهل کتاب مباحثی چون توحید، پیامبران الهی و نزول کتاب‌های آسمانی مطرح می‌شد و با

اصول مناظره و آزاداندیشی با... ❖ ۹۷

❖ سوال اول، شماره سوم، شماره مسلسل ۳، پاییز ۱۳۹۲

استناد به همین امور، حقانیت آن اثبات می‌شد. امروزه این امر از موارد ضروری گفتگو بین ادیان و بهترین راه معرفی اسلام است (طاهری آکردی ۱۳۸۷ش: ۱۶۳).

۹. اقناع مخالف

حضرت رضا^(ع) در مناظره‌های خود از چنین شیوه‌ای برخوردار بود. بدین سبب، مخالفان کاملاً قانع می‌شدند و برخی از آنها نیز هدایت یافتند، چون زمینه هدایت در آنان بود. عمران صابی، مناظره‌ای طولانی با حضرت رضا^(ع) دارد. نوفلی می‌گوید که در این مناظره، سؤال و جواب طولانی شد و حضرت او را در اکثر مسائل، مجاب کرد تا به آنجا رسید که گفت: «ای آقای من! شهادت می‌دهم تو چنان هستی که وصف کردی» (طبرسی، ۱۳۸۶ش: ۴۲۲ - ۴۲۱).

۱۰. توجه به اقتضاهای مناظره

امام رضا^(ع) همیشه در مناظره‌ها و برخوردهایشان متوجه طرف مقابل بود و بر آن اساس عمل می‌کرد. مثلاً در برخورد با علمای ادیان دیگر یا از روش عقلی و استدلالی یا از روش نقلی یعنی ارجاع به کتاب‌های مقدس خودشان و اقوال بزرگان آنها استفاده می‌کرد. اما در مناظره با متکلمان اسلامی علاوه بر توسل جستن به استدلال عقلی، از آیه‌های قرآن و اقوال شخصیت‌های تاریخی بهره می‌جست. آنچه که در مناظره با سلیمان مروزی، مأمون و علی بن جهم اتفاق افتاد دلیل بر این مطلب است (شجاعی گلپایگانی، ۱۳۷۳ش: ۱۷۱ - ۱۶۰).

۱۱. استناد به منابع قابل قبول طرف مناظره

امام رضا^(ع) با عنایت به همین شیوه به نوفلی فرمود: «می‌روم با مسیحی‌ها با انجیل‌شان، با یهودی‌ها با تورات‌شان، با صابئی‌ها با آیین خودشان، با هیربدان با آیین پارسی‌شان و با رومیان به زبان خود آنان بحث می‌کنم تا مأمون بفهمد که خلافت را به ناحق غصب کرده است» (مجلسی، ۱۳۷۶ش: ج ۱۰، ۳۱۸).

❖ ۱۲. آزاداندیشی

یکی از مهم‌ترین شیوه‌ها در مناظره‌های امام رضا^(ع) آزاداندیشی ایشان می‌باشد. اصلی که اسلام بیان می‌کند و همواره بر آن تأکید دارد، اساساً منطق اسلام، منطق عقل و اندیشه است. امام رضا^(ع) می‌فرماید: «لَيْسَ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ التَّفَكُّرُ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ عبادت به فراوانی نماز و روزه نیست بلکه عبادت، تفکر در امر والاست» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۴ ش: ۱۱۱). حضرت در مناظره با عمران صائبی حدود هشت بار او را به تعقل، تنبه دادند (نک: طبرسی، ۱۳۸۶ ش: ۴۲۲ - ۴۲۱) و این بدین جهت بود که مطمئن شوند جواب‌های آن حضرت را فهمیده است. نمونه دیگر در مناظره با جاثلیق و رأس‌الجالوت است که حضرت به آن دو اجازه دادند تا آزادانه بتوانند عقایدشان را بیان کنند (نک: ابن‌بابویه، ۱۳۷۲ ش: ۱۰۸ - ۱۰۳؛ طبرسی، ۱۳۸۶ ش: ۴۱۷؛ عطاردی، ۱۳۷۹ ش: ۹۳).

❖ سال اول، شماره سوم، شماره مسلسل ۳، پاییز ۱۳۹۳

اصول آزاداندیشی از منظر حضرت رضا^(ع)

بیان چستی اصول آزاداندیشی راه را برای آشنایی با این اصول از منظر حضرت رضا^(ع) هموار می‌سازد.

۱. چستی آزاداندیشی

آزادی موهبتی است الهی که خدای متعال به انسان عطا فرمود، اما از آنجا که انسان موجودی ضعیف است، برای او هم حجت درونی (عقل) و هم حجت بیرونی (پیامبران) قرار داد تا انسان را به سوی کمال و اهداف عالی الهی رهنمون سازند ولی در عین حال بشر در انتخاب راه صواب و خطا آزاد است (منتظرالقائم، ۱۳۸۶ ش: ۱۸ - ۱۵). اندیشه به دو معنای مصدری و اسم مصدری به کار می‌رود که در معنای مصدری آن - اندیشیدن - معادل «تفکر» و در معنای اسم مصدری دال بر یک حالت ادراکی بوده و معادل معنای «عقیده» است. همین‌طور کلمه تفکر نیز گاهی در معنای دوم (اسم مصدری)، استعمال می‌شود و منظور از تعبیری مانند احیای تفکر دینی یا فکر دینی قاعدتاً باید احیای عقیده و باور دینی

باشد (برنجکار، ۱۳۸۳ ش: ۱۸۰ - ۱۷۹). آزاداندیشی اصولاً به معنای رهایی اندیشه از پیش‌فرض‌ها و باورهایی است که بر ذهن آدمی احاطه دارد و مانع از پرواز اندیشه در آسمان کران‌ناپیدای واقعیت‌ها و حقایق می‌شود (همان: ۱۴۳ و ۲۱۰). در واژه «آزاداندیشی» متعلق هر آن چیزی است که قرار است اندیشه از آن آزاد باشد. ذکر این نکته ضروری است که «آزاد اندیشی» به معنای آزادی از اندیشیدن نیست، بلکه آزاداندیشی یک واژه به هم پیوسته‌ای است که حرف اضافه «از» متعلق به کل این واژه است. به عبارت دیگر، این ترکیب به معنای «آزاداندیشی در اندیشیدن از...» می‌باشد، آزاداندیشی نسبی است، اما نسبت آن به باورها، اعتقادات و ارزش‌های فرد اندیشه‌ورز وابسته است. اگر آن باورها، خود بر اصول و پایه‌های منطقی و عقلانی استوار باشند، اندیشه‌های مبتنی بر آنها نیز به شرط پرهیز از مغالطه‌ها، می‌توانند به نتیجه درست منجر شوند و چنانچه بر پایه دلایل محکم و مستدل نباشند، اندیشه‌های مبتنی بر آنها نیز از اعتبار چندانی برخوردار نخواهند بود (همان: ۱۵۴). در تعالیم اسلامی، اندیشه به جهت اهمیتی که دارد به‌عنوان حق مسلم و امر واجب تلقی و از آن به بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عبادت‌ها یاد شده است. از نظر اسلام، ایمان کامل و حقیقی، ایمانی است که به‌وسیله تدبیر و تعقل صحیح، به‌دور از هر گونه تأثیرپذیری از عوامل خارجی نظیر عادات، رسوم و تقلیدها بنا شده باشد به همین جهت تعداد زیادی از آیه‌های قرآن، مشرکان و بت‌پرستان مکه را به‌خاطر پیروی کورکورانه از آبا و اجدادشان سرزنش کرده و می‌فرماید: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَائُنَا هَنَاقًا» که به آنان گفته شود که از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید، می‌گویند بلکه ما از چیزی پیروی می‌کنیم که پدران خود را بر آن یافتیم» (لقمان / ۲۱). از این رو تقلید در اصول دین را جایز ندانسته، آن را یک مسئله علمی، فکری و عقلی توصیف می‌کند و می‌گوید برای هر مسلمانی واجب است آزادانه از راه تفکر، دلیلی برای پذیرش اصول دین خود داشته باشد. حاصل سخن اینکه، با مراجعه به متون دینی (قرآن و روایت‌ها)، فهمیده می‌شود که اندیشیدن و تفکر از ارزش بالایی برخوردار است. از شاخص‌ترین آیه‌ها در ارتباط با آزاداندیشی در

❖ قرآن کریم، آیه‌های سوره زمر می‌باشد:

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ
يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ؛ پس
بشارت ده آن بندگان را که به سخن گوش فرامی‌دهند و بهترین آن‌را پیروی می‌کنند.
اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان (الزمر/۱۸- ۱۷).

آیه مزبور، که به صورت یک شعار اسلامی درآمده، آزاداندیشی مسلمانان و انتخاب‌گری آنها را در مسائل گوناگون به‌خوبی نشان می‌دهد. نخست می‌فرماید: «بندگان مرا بشارت ده» و آنگاه این بندگان ویژه را به این صورت معرفی می‌کند: «آنها به سخنان این و آن بدون در نظر گرفتن گوینده و خصوصیات دیگر گوش فرا می‌دهند و با نیروی عقل و خرد، بهترین آنها را برمی‌گزینند.» هیچ‌گونه تعصب و لجاجتی در کار آنها نیست و هیچ محدودیتی در فکر و اندیشه آنها وجود ندارد. آنها جویای حق و تشنه حقیقت هستند. هر جا آن‌را بیابند، با تمام وجود از آن استقبال می‌کنند و از چشمه زلالش بی‌دریغ می‌نوشند و سیراب می‌شوند. آنها نه تنها طالب حق‌اند و تشنه گفتار نیک، بلکه در میان «خوب» و «خوب‌تر» و «نیک» و «نیکوتر»، دومی را برمی‌گزینند. خلاصه آنکه آنان خواهان بهترین و برترینند. آری، این است نشانه یک مسلمان راستین و مؤمن حق‌طلب. چنان‌که پیامبر اکرم (ص) در این‌باره می‌فرماید: «لا عباده مثلُ التَّفَكُّر؛ عبادتی مانند اندیشیدن نیست» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق: ۳۷۲). امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «لا عباده كالتفكر؛ عبادتی مانند اندیشیدن نیست» (تمیمی آمدی، بی تا: ۵۶) و نیز می‌فرماید: «رُكْعَتَانِ خَفِيفَتَانِ فِي التَّفَكُّرِ خَيْرٌ مِنْ قِيَامٍ لَيْلَةٍ؛ خواندن دو رکعت نماز کوتاه با فکر و اندیشه، بهتر از شب زنده‌داری کردن است» (ابن بابویه، ۱۳۸۹ ش: ۴۴).

۲. امام رضا(ع) و آزاداندیشی

امام رضا(ع) استقلال فکری و رشد اندیشه و به‌کار انداختن قدرت تفکر را فی‌نفسه ارزش می‌داند و آن‌را یکی از دو هدایت می‌شمارد و ایشان، گرایش مردم به پرسش، تحقیق

اصول مناظره و آزاداندیشی با... ❖ ۱۰۱

❖ سوال اول، شماره سوم، شماره مسلسل ۳، پاییز ۱۳۹۲

و انتخاب آگاهانه را بسیار تمجید نموده و فرمودند: «هر فردی در اندیشه آزاد است و در اصل اندیشه، تحمیلی نیست.» یکی از مهم ترین ویژگی های پارادایم فکری و فرهنگی عصر رضوی را می توان آزاداندیشی دانست که حضور عالمان غیرمسلمان و بروز اندیشه های گوناگون در قالب مباحثه ها و مناظره های آزادانه، از لوازم مهم این پدیده تلقی می شود. بی تردید، مبنای اساسی این رفتار و روش عملی امام رضا^(ع) با مخالفان و نیز پیروان ادیان و مذاهب گوناگون، الگوهای رفتاری قرآن کریم و استمرار سیره نبوی است. چه اینکه حضرت رسول^(ص) نیز در دیپلماسی مرفعی خود با سران کشورهای غیرمسلمان - همچون خسرو پرویز پادشاه ایران، قیصر سلطان روم، نجاشی پادشاه حبشه و ... - رفتاری مبتنی بر اخلاق قرآنی اتخاذ نموده (احمدی، ۱۳۶۳ش: ۱۰۵ - ۹۷)، نامه های دعوت خود را با این آیه از قرآن کریم آغاز می فرمود:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ؛
بگو ای اهل کتاب بیایید به سوی یک کلمه که میان ما و شما مشترک و یکسان است، پرستش نکنیم جز خدای یکتا را و برای او شریکی نگیریم و بعضی، بعضی دیگر را پروردگار خویش نشناسیم (آل عمران/ ۶۴).

یکی از عوامل مهم ظهور نهضت کلامی و رونق مباحث دینی و عقیدتی در عصر رضوی، التفات ویژه حضرت رضا^(ع) به آزادی انسان - به خصوص در ساحت فکر و اندیشه - است. (هرچند می توان عوامل دیگری چون انتقال فرهنگ یونان و عقاید یهود و مسیحیت به جهان اسلام از طریق ترجمه کتاب های یونانی را در پیدایش نهضت کلامی عصر امام رضا^(ع) دخیل دانست، بدون شک، یکی از عوامل مهم این حرکت فکری، خود مأمون عباسی است؛ به خصوص بعد از اینکه امام را به ولیعهدی انتخاب می کند، یکی از سلسله جنابان این مناظره های آزاد، اوست) (ابراهیم حسن، ۱۳۶۲ش: ۳۴۵). و به رسمیت شناختن حق سؤال و پرسش برای مخاطب، از لوازم آزادی فکر و اندیشه به شمار می آید (مرتضوی، ۱۳۷۵ش: ۳۴ - ۲۶).

❖
 سال اول، شماره سوم، شماره مسلسل ۳، پاییز ۱۳۹۳

تتبع در تاریخ و سیره رضوی، پابندی عملی حضرت به لوازم خطیر و حساس این نوع آزادی را نشان می‌دهد. مثلاً امام در یکی از مناظرها به یکی از یارانش فرمود: «تمام کسانی را که در جلسه محمدبن فضل حاضر بودند و بقیه شیعیان ما را دعوت کن. جاثلیق مسیحی و رأس الجالوت یهودی را نیز فراخوان و از آنان بخواه که در جلسه هر چه می‌خواهند از من بپرسند» (مجلسی، ۱۳۷۶ش: ۷۲). سعه صدر امام و احترام به حقوق طبیعی مخاطبان - به‌ویژه دادن حق آزاداندیشی - از مهم‌ترین ویژگی‌ها در مناظره‌های فرهنگ رضوی می‌باشد. اما آیا از نظر اسلام - و به‌طور خاص در فرهنگ رضوی - هر عقیده و اندیشه‌ای آزاد است؟ طبق اصل قرآنی «نداشتن اکراه در دین»، انسان در انتخاب دین و ایمان خود، مختار و آزاد است (طباطبایی، ۱۳۷۶ش: ۳۶۱). نظر به این اصل کلی، آیا انسان در داشتن و ابراز هر عقیده‌ای - ولو خرافه و باطل - نیز آزاد است؟ قطعاً پاسخ این سؤال منفی است و هرگز اسلام اجازه نمی‌دهد که انسان، اسیر این‌گونه خرافه‌ها باشد. بلکه اساساً مبارزه‌های اسلام و همه انبیاء الهی برای از میان بردن این نوع عقاید انحرافی و باطل بوده است. برای حل این مسئله - که اگر دین آزاد است پس چرا بشر نسبت به این‌گونه عقاید آزاد نیست - باید میان آزادی فکر و آزادی عقیده فرق گذاشت. آنچه مورد حمایت و تأیید اسلام بوده، آزادی فکر و اندیشه است و نه آزادی عقیده. توضیح مطلب آنکه عقیده وقتی محترم است که از راه فکر آزاد پدید آمده باشد نه از روی تقلید، تعصب، جهل، عادت و امثال آن (موسوی‌زاده، ۱۳۸۴ش: ۱۹۱). مسئله تفکیک آزادی فکر و عقیده در فرهنگ و سیره رضوی، کاملاً مشهود و قابل فهم است. نمود آزادی فکر و اندیشه را می‌توان در نهضت کلامی و حضور فعال فرقه‌های اعتقادی در عصر امام رضا^(ع) جستجو کرد. با این وجود، امام در عین به رسمیت شناختن حق آزاداندیشی و آزادی فکر برای مخالفان و پیروان ادیان، هدف عمده‌ای که از مناظره‌های کلامی خود دنبال می‌کند اثبات حقیقت و برتری اسلام و عقیده بر حق تشیع با اتکاء به منطقی و برهان است (ابن بابویه، ۱۳۷۲ش: ۱۹۰ - ۱۷۹). چنان‌که طبق گزارش ابوصلت هروی، در مناظره حضرت با پیروان مذاهب و مکاتب مختلف از یهود، نصاری،

اصول مناظره و آزاداندیشی با... ❖ ۱۰۳

مجوس، صابئین و سایر فرق و نحل، هر کس در برابر آن حضرت ایراد شبهه و ابراز عقیده می‌نمود با پاسخ منطقی و دندان‌شکن روبرو می‌شد (مجلسی، ۱۳۷۶ش، ج ۴۹: ۱۷۷).

۳. نمونه‌های آزاداندیشی در فرهنگ و سیره رضوی

همان‌گونه که گفته شد، آزاداندیشی در سیره و به‌ویژه مناظره‌های امام رضا^(ع) جایگاه خاصی دارد. در این میان به بررسی مهم‌ترین نمونه‌های آزاداندیشی از منظر امام که در مواجهه با مخالفان و پیروان ادیان و مذاهب گوناگون به‌کار برده‌اند، می‌پردازیم:

حقیقت دین

امام رضا^(ع) به حقیقت دین به‌خصوص به مسئله توحید و امامت توجه ویژه‌ای داشتند. تجلی این دو را می‌توان در حدیث مشهور «سلسله‌الذهب» مورد تحلیل و بررسی قرار داد. (منظور از «سلسله‌الذهب» زنجیره طلایی پیوند راویان حدیث از حضرت رضا^(ع) به رسول الله^(ص) است. شیخ صدوق در *عیون اخبار الرضا*، حدیث فوق را از چهار طریق نقل کرده است) (۱۳۷۲ش: ۱۳۵ به بعد؛ ۱۳۸۹ش: ۲۱) حضرت، روایت فوق را چنین بیان می‌فرماید: «کلمه لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی... فلما مرت الراحله نادى بشروطها و أنا من شروطها» (ابن بابویه، ۱۳۸۹ش: ۲۱)، امام در این حدیث بر مسئله نجات‌بخشی دین تأکید ورزیده، شرط رهایی و نجات کلمه توحید را در ولایت و امامت خود و سایر ائمه معصومین^(ع) بیان می‌دارد.

ترویج گفتگوی اثربخش

امام رضا^(ع) با توجه به موقعیت زمانی و مکانی خاص خود در دوران ولایتعهدی، گامی مؤثر برای رفع اختلاف‌های، آشکار ساختن نواقص موجود در ادیان تحریف‌شده و اثبات حقانیت اسلام برداشته و شاید به جرئت بتوان گفت ایشان اولین شخصیتی است که باب «آزاداندیشی و گفتگوی ادیان» را در جامعه اسلامی باز کرد. نمود بارز این پدیده را می‌توان

❖ سال اول، شماره سوم، شماره مسلسل ۳، پاییز ۱۳۹۲

در مناظره‌های امام با جاثلیق به نمایندگی از آیین مسیحیت، رأس الجالوت^۱ به نمایندگی از دین یهود، هیرید^۲ موبد بزرگ، به نمایندگی از دین زردشت، عمران صابی^۳ به نمایندگی از صابئان و عده‌ای از علما و سران برهمن، مشاهده کرد (طبرسی، ۱۳۸۶ش: ۲۲۱ - ۲۰۳). از این‌رو گرچه اصل آزاداندیشی و گفتگو با مخالفان و پیروان ادیان و مذاهب گوناگون، از عصر نبوی شروع شد و در عصر علوی ادامه یافت و سایر ائمه همچون صادقین^۴ آنرا پیش بردند، لیکن اگر عصر رضوی را دوره اوج و ترویج فرهنگ گفتگوی ادیان و تقریب مذاهب بدانیم، چندان به بیراهه نرفته‌ایم؛ چه اینکه در زمان ایشان دست‌کم دو نوع گفتگو رایج بوده است: گفتگوی «درون‌مذهبی» که همان بحث تقریب مذاهب اسلامی را شامل می‌شود و گفتگوی «برون‌مذهبی» که معنای امروزی آن، آزاداندیشی و گفتگوی ادیان است.

مدارا و «تسامح دینی»

رفق، مدارا و تسامح دینی، از دیگر شاخص‌های آزاداندیشی در فرهنگ رضوی است. شاید به‌صراحت بتوان گفت یکی از بزرگ‌ترین ضربه‌هایی که به دین‌داری و دین‌باوری در طول تاریخ چند هزار ساله تمدن مدون دینی از سوی خود دین‌داران و حامیان متعصب مذهبی وارد شده همین روحیه سخت‌گیری و عدم تسامح دینی بوده است. در حالی که به روایت تاریخ از زندگی و سیره انبیای سلف - به‌ویژه شخص رسول الله^ص و ائمه اطهار^ع - این بزرگواران همواره از مصادیق بارز چنین روحیه و نگرشی بودند (گواهی، ۱۳۷۶ش: ۸۹). از دیدگاه قرآن کریم، انتخاب دین‌داری، امری اختیاری است و هیچ‌کس را نمی‌توان و

۱. رأس الجالوت، لقب دانشمندان و بزرگان ملت یهود است (آن نیز اسم خاص نیست). برای مطالعه گفتگوی امام با رأس الجالوت یهودی ر.ک به: (قمی، بی‌تا: ۱۴۰۹ - ۱۴۰۷)

۲. هیرید یا هیرید اکبر، لقبی است که مخصوص بزرگ زردشتیان بود و به معنای پیشوای بزرگ مذهبی و قاضی زردشتی و خادم آتشکده می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷ش: ۱۵: ۳۳۶۰۴) برای مطالعه اصل مناظره امام با هیرید زردشتی ر. ک به: (مرتضوی، ۱۳۷۵ش: ۱۵۰).

۳. عمران صابی، چنان‌که از نامش پیداست، از مذهب صابئین دفاع می‌کرد. صابئین گروهی بودند که خود را پیرو یحیی^ع می‌دانند، ولی به دو گروه موحد و مشرک تقسیم می‌شوند. گروهی به ستاره‌پرستی رو آوردند؛ لذا گاه آنها را ستاره‌پرست می‌نامند. آنها طبق عقاید خود، بیشتر در کنار نهرهای بزرگ زندگی می‌کنند. هم‌اکنون گروهی از آنان در اهواز و بعضی از مناطق دیگر به‌سر می‌برند (دهخدا، ۱۳۷۷ش: ۱۴۷۳۴ - ۱۴۷۳۳ و محمدزاده، ۱۳۸۰ش: ۳۹۱-۳۸۴). دهخدا جلد چندم؟

نباید با اکراه و خشونت، به پذیرش دین و اداری نمود (نک: الانسان / ۳). از همین رو پیامبران الهی با اوصاف «بشیر» و «نذیر» (نک: سبأ / ۲۸) و «آورنده بلاغ» (نک: یس / ۱۷) توصیف شدند. در سوره مبارکه بقره آیه ۲۵۶، تعبیر رسای «لا اکراه فی الدین» را به عنوان اتمام حجت بر دین داران بیان می دارد که هیچ کس را در هیچ شرایطی نمی توان به اکراه و اضطرار وادار به اعتراف و پذیرش دین نمود. طبیعتاً وقتی نتوان دین و آئین خاصی را به کسی تحمیل کرد، تنوع آیین ها و اعتقادهای دینی پدید می آید و صاحبان ادیان مختلف، با حفظ حقوق و احترام به عقاید یکدیگر، با همزیستی و مدارا در کنار هم به سر می برند. بنابراین ادب مسلمانی حکم می کند که پیروان دین حق بی مورد به سخت گیری و خشونت و انتقاد از آداب و مناسک دیگران نپردازند و بی دلیل تخم نفاق و دشمنی را در قلوب آنان نکارند که «متاع کفر و دین، بی مشتری نیست.» به هر جهت از آیه های قرآن برمی آید که صاحبان ادیان مختلف می توانند با پذیرش خطوط کلی و مواضع مشترک دینی، در کنار یکدیگر زندگی توأم با مدارا و تسامح داشته باشند (جوادی آملی، ۱۳۸۱ ش: ۱۹۶). امام علی بن موسی الرضا^(ع) نسبت به مخالفان، پیروان ادیان و فرق مختلف، برخوردی مسامحه آمیز داشته است. روحیه آزادمنشانه حضرت با عالمان مذاهب و سران ادیان به نحوی است که برخی از پیروان این فرق، به اشتباه های خود در مسائل اعتقادی و کلامی، اعتراف نموده و گاهی با امام به مباحثه می پرداختند و ایشان نیز با تساهل و تسامح به دور از تعصب و سخت گیری، به بحث می پرداختند. امام نه تنها با عالمان و خواص برخورد درست و شایسته ای داشتند، بلکه نسبت به عوام نیز با رفق و مدارا رفتار می کردند (ابن بابویه، ۱۴۱۷ ق: ۸۹). لطف و مدارای امام در رفتار با غیرمسلمانان و حتی مخالفان به حدی است که راوی می گوید:

به امام رضا^(ع) گفتم: برای پدر و مادرم دعا کنم با اینکه حق امامان و آل پیامبر را نشناختم. امام فرمود: برای آنها دعا کن و صدقه بده و اگر در قید حیات هستند و حق را نمی شناسند با آنها مدارا کن، زیرا رسول خدا^(ص) فرمود: خداوند مرا با رحمت مبعوث نمود نه با درشتی و نامهربانی (ابن شعبه حرانی، ۱۳۲۶ ش: ۴۲۶).

در اهمیت رفق و مدارا با دیگر انسان‌ها در فرهنگ و سیره رضوی همین بس که حضرت یکی از خصوصیات مؤمن حقیقی را مدارا کردن با مردم معرفی می‌نماید. زیرا به قول ایشان، خداوند عزوجل پیامبرش را به مدارای با بندگان امر فرموده است.

لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى تَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: ۱. سُنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ. ۲. وَ سُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ. ۳. وَ سُنَّةٌ مِنْ وَلِيِّهِ. فَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ فَكَيْفَانُ سِرِّهِ. وَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ نَبِيِّهِ فَمُدَارَاةُ النَّاسِ. وَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ وَلِيِّهِ فَالصَّبْرُ فِي الْبِأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ؛ مؤمن، مؤمن واقعی نیست، مگر آنکه سه خصلت در او باشد: سستی از پروردگارش و سستی از پیامبرش و سستی از امامش. اما سنت پروردگارش، پوشاندن راز خود است، اما سنت پیغمبرش، مدارا و نرم‌رفتاری با مردم است، اما سنت امامش، صبر کردن در زمان تنگدستی و پریشان حالی است (کلینی، ۱۳۷۵ ش، ج ۳: ۳۳۹).

گاهی در لحن کلام و طرز رفتار امام رضا^(ع) نوعی قاطعیت، شدت عمل و برخورد صریح دیده می‌شود و گاهی ملایمت، نرمش، انعطاف و تسامح. این تفاوت، بستگی به موارد و مواضع مختلف دارد. در مورد مسائلی که جنبه اصولی دارد و با مبانی، خط فکری و عقیده حق در تضاد و تنافی باشد - نظیر مباحث توحید، امامت و ... - در این‌گونه موارد، امام سازش ناپذیر، حساس، دقیق، بی‌گذشت و بدون اغماض و انعطاف است. ولی در سایر موارد، آنجا که به معاشرت‌های انسانی، حقوق شخصی و زمینه‌های رفتاری و هنجاری مربوط می‌شود اهل عفو، گذشت، اغماض و تسامح است. بنابراین ملاک و راز تفاوت در برخوردهای گوناگون حضرت را باید در این مسئله جستجو نمود.

همزیستی مسالمت‌آمیز با ادیان و مذاهب

از دیگر خصوصیات الگوی رفتار ارتباطی آزادمنشانه در فرهنگ رضوی، همزیستی مسالمت‌آمیز است. از مطالعه احادیث و روایت‌ها چنین برمی‌آید که زندگی آرام و صلح‌آمیز و ایجاد رابطه محبت و مودت با بیگانگان امری است که مسلمانان در روابط خود می‌توانند از آن الگو و بهره گیرند. چه اینکه اسلام آئین فطرت است و هرگز با احساسات طبیعی و

اصول مناظره و آزاداندیشی با... ❖ ۱۰۷

انسانی بشر ضدیت ندارد (کریمی نیا، ۱۳۸۳ش: ۲۷۴). امام رضا^(ع) در روابط خود با ادیان و مکاتب، به این نکته توجه دارد که با ایجاد جو آرام و مودت آمیز می‌تواند با مخالفان عقیدتی خود به گفتگو و جدال احسن بپردازد. بی‌شک گنجینه احادیث پربرار پیامبر^(ص) و ائمه اطهار^(ع) می‌تواند مکمل این الگوی رفتاری باشد. چه اینکه پیشوایان اسلام، پیوسته به رعایت عدالت و انصاف، ادای حقوق و پرهیز از آزار و اذیت پیروان مذاهب، توصیه می‌نمودند. برای نمونه از نبی^(ص) روایت شده است:

مَنْ آذَى ذِمِّيًّا فَأَنَا خَصْمُهُ وَمَنْ كُنْتُ خَصْمَهُ خَصْمَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هر کس اهل ذمه (مسیحی، یهودی و زرتشتی که در پناه اسلام است) را آزار رساند دشمن او خواهم بود و هر کس من دشمن او باشم روز قیامت دشمنی خود را بر او آشکار خواهم کرد (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۶ش: ۲۷۱).

اما درباره سیره عملی حضرت رضا^(ع) باید گفت که امام با اتصال به منبع معرفتی وحی، با اتکاء به سنت و سیره پیامبر و ائمه^(ع) - که خود الگو و نمونه عملی برای جامعه اسلامی به‌شمار می‌روند - با رفتار دوستانه و مسالمت آمیز خود با مخالفان غیرمسلمان، در واقع شاخص‌های الگوی رفتار ارتباطی با ادیان و مذاهب را تکمیل نمود. چنان‌که این رهیافت در سیره عملی و مناظره‌های علمی حضرت با سران و پیروان ادیان و مکاتب عصر، کاملاً مشهود است (ابن بابویه، ۱۳۷۲ش: ۱۱۹ - ۱۰۲).

۴. ثمره‌های آزاداندیشی و خردورزی براساس مناظره‌های امام رضا^(ع)

برای آزاداندیشی، آثار و ثمره‌های فراوانی بیان شده است که بر اساس مناظره‌های امام رضا^(ع) به برخی از آنها به صورت خلاصه اشاره می‌شود:

ایمنی از لغزش و خطا

تدبیر و عاقبت‌اندیشی قبل از انجام هر عملی باعث می‌شود انسان از لغزش‌ها و خطاها محفوظ بماند. امام رضا^(ع) در این باره می‌فرمایند: «أَصْلُ السَّلَامَةِ مِنَ الزَّلَلِ، الْفَكْرُ قَبْلَ الْفَعْلِ؛ اصل و

❖ پایه در امان بودن از لغزش‌ها، اندیشیدن پیش از انجام کار است» (محدث‌نوری، ۱۴۱۵ق: ج ۱۱، ۳۰۸). امام رضا^(ع) در مناظره با فرقه‌های مختلف با بهره‌گیری از عقل و اندیشه به طرف مقابل نشان دادند که قبل از هر گونه پیش‌داوری در مورد هر موضوعی تدبر و اندیشه نمایند.

هدایت و نجات

اندیشه و تفکر نقش راهنما و منجی را دارد، انسان را به راه درست و پسندیده رهنمون می‌سازد و از گرفتاری‌ها رهایی می‌بخشد. امام رضا^(ع) می‌فرمایند: «الْفِكْرُ يَهْدِي إِلَى الرَّشَادِ؛ اندیشه [انسان را] به سوی رشد و کمال هدایت می‌کند» (ابن‌بابویه، ۱۴۱۷ق: ۱۲۹). در مناظره حضرت با سلیمان مروزی، می‌بینیم که امام نخست عمران صابئی را که تازه مسلمان شده بود وارد صحنه مناظره با سلیمان مروزی کرده و سپس خودشان مناظره را ادامه دادند (نک: همان، ۱۴۱۵ق: ۴۴۲). شاید با این کار خواستند با آوردن چنین شخصی، فضای عمومی را به نفع خود تغییر داده و به همه نشان دهند آنهایی که پذیرای اسلام شده‌اند افراد کوچکی و بازار نیستند، بلکه خود اهل فن و صاحب‌فکرند و از این طریق راه هدایت و نجات را پیموده‌اند.

درخشندگی عقول

از جمله آثار اندیشه آن است که به خرده‌ها درخشندگی و روشنایی می‌بخشد. امام رضا^(ع) با استعانت از حدیث جد بزرگوارشان امیرالمؤمنین^(ع) که می‌فرمایند: «الْفِكْرُ جَلَاءُ الْعُقُولِ؛ اندیشه کردن سبب درخشندگی خرده‌ها است» (مجلسی، ۱۳۷۶ش، ج ۷۸: ۳۳۹) در مواجهه و مناظره با زنادقه و ملحدان که به هیچ کتابی یا پیامبری معتقد نبودند از روش عقلی و استدلال بهره می‌جستند. همچنین با اهل کتاب از طریق استدلال عقلی و بر اساس اشتراک‌های دینی به رفع اشکال‌ها و به اثبات حقانیت اسلام می‌پرداختند، زیرا بدون تعقل نمی‌توان تناقض‌های بین ادیان را رفع کرد (نک: قرشی، ۱۳۸۲ش: ۱۷۲).

وارستگی

استقلال در حوزه اندیشه، به انسان توان آزادسازی اندیشه و جولان فکری می‌دهد، آنچه در این بُعد از مناظره‌های امام رضا^(ع) به دست می‌آید این است که: انسان می‌تواند در اندیشه، استقلال داشته باشد تا از وابستگی‌ها وارسته باشد. وابستگی‌ها اعم از اخلاقی - نفسانی، سیاسی و تعهدهای اقتصادی و اجتماعی آدمی را در اندیشه به قید می‌کشد. به هر میزان وارستگی‌ها در آدمی افزایش یابد، اندیشه‌ورزی آزادانه نیز در وی تقویت می‌شود. انسان‌هایی توانسته‌اند آزاد بیندیشند که آزاد زیسته‌اند و در بُعد اخلاقی آزاد بوده‌اند. انسان گرفتار در بندهای گوناگون، در اندیشه نیز گرفتار است و اساساً اندیشه او در همان سمت و سویی حرکت می‌کند که بیش‌ها، گرایش‌ها و خواسته‌های او به آن سمت و سو رفته‌اند (برنجکار، ۱۳۸۳ش: ۱۵۱ - ۱۵۰).

سلامت

یکی دیگر از ثمره‌های اندیشیدن، سلامت انسان است. امام رضا^(ع) می‌فرماید: «أَصْلُ الْعَقْلِ الْفِكْرُ وَتَمَرَّتُهُ السَّلَامَةُ؛ اساس عقل، اندیشیدن و ثمره آن سلامت است» (ابن بابویه، ۱۴۱۷ق: ۴۳۸). در تمامی مناظره‌های آن حضرت، با افراد و سران مختلف فرقه‌ها که با اصرار ایشان مبنی بر استفاده از قوه تفکر طرف مناظره بود، باعث شد همگی با دریافت جواب متقن و درست، از درگیری‌های فکری و روانی که با مسائل برخوردار بودند به سلامت روحی و روانی و آرامش برسند (برای نمونه نک: همان، ۱۳۷۲ش: ۱۷۸ - ۱۶۸).

انصاف علمی

انسانی که در پی اندیشه آزاد است، نمی‌تواند نتایج اندیشه خود را مطلق بداند. مطلق‌انگاری اندیشه، نافی آزاداندیشی است. معیار و تراز آزاداندیشی به رعایت انصاف علمی در اندیشه‌هاست. رعایت انصاف علمی نیز از طریق عرضه اندیشه خود بر اندیشه‌های دیگر و پذیرش نقدهای وارد بر آن محقق می‌شود. بر این اساس آزاداندیشی مقوله‌ای غیر از درست‌اندیشی است.

❖ سال اول، شماره سوم، شماره مسلسل ۳، پاییز ۱۳۹۲

انسان می‌تواند آزاد بیندیشد اما لزوماً اندیشه‌های آزاد او نمی‌تواند درست و منطقی باشد. برای دسترسی به اندیشه درست می‌بایست آن اندیشه‌ها را با انصاف علمی توأم نمود و بر نقدهای آن نیز اندیشه کرد. انسان آزاداندیش می‌بایست اندیشه خود را صرفاً به‌عنوان یک اندیشه عرضه کند و در انتظار نقد و بررسی آن بماند؛ لذا نمی‌تواند و نمی‌بایست نظم فکری و اجتماعی جامعه را نیز به‌خاطر اندیشه خود بر هم بزند (برنجکار، ۱۳۸۳ش: ۱۵۱). به‌عنوان نمونه عمران صابی بعد از اینکه امام اعلام کرد هر کس هر پرسشی دارد بپرسد، برخاست و گفت: ای عالم مردم، اگر شما مردم را دعوت به پرسش نکرده بودی، من اقدام به پرسش نمی‌کردم. حضرت فرمود: اگر در بین جمعیت، عمران صابی باشد، تو همانی. عرض کرد: آری، من همانم. آنگاه حضرت، یکی از مهم‌ترین شرایط مناظره را بیان کرد و فرمود: ای عمران، بپرس و بر تو لازم است که انصاف به خرج دهی و از مغالطه‌کاری و ستمگری پرهیز کنی (نک: مجلسی، ۱۳۷۶ش، ج ۱۰: ۳۱۳ - ۳۱۲).

عاقبت نیکو

از دیگر ثمره‌های تفکر و اندیشه آن است که عاقبت کار انسان نیکو می‌شود. امام رضا^(ع) می‌فرماید: «إِذَا قَدَّمْتَ الْفِكْرَ فِي أَعْمَالِكَ حَسُنَتْ عَوَائِقُكَ وَفِعَالُكَ؛ وقتی اندیشیدن را در کارهایت مقدم داشتی، عاقبت تو و کارهایت خوب می‌شود (ابن بابویه، ۱۳۷۲ش: ۲۳۱). مناظره بین امام و عمران نمونه‌ای از آن است. آنگاه که عمران، اسلام آورد امام او را تکریم نموده و دنبال او فرستادند. وقتی عمران وارد شد امام خوشامد گفته و محترمانه استقبال نمودند. از آن پس بود که نزد امام می‌آمد و از علم فراوان آن حضرت بهره می‌برد و خود یکی از دعوت‌کنندگان به اسلام شد. حکیمان، صاحبان اندیشه و بدعت‌گذاران نزد او می‌آمدند و از وی درباره بهترین مسائل سؤال می‌کردند. عمران نیز به پرسش‌های آنها پاسخ می‌داد (همان: ۱۷۸ - ۱۶۸).

نتیجه‌گیری

به‌دست آوردن مبانی طرف مقابل، استفاده بجا و مناسب از مبانی طرف مقابل، داشتن

❖ سوال اول، شماره سوم، شماره مسلسل ۳، پاییز ۱۳۹۲

سعه صدر و انصاف، برخورداری از آزادگی و روح علمی، تکریم طرف مناظره، تسلط بر علوم و زبان‌های مختلف، تکیه بر اصول مشترک بین ادیان، اقناع مخاطب، مدارا و تسامح دینی و همزیستی مسالمت‌آمیز با ادیان و مذاهب، از مهم‌ترین مبانی و شیوه‌های مناظره‌ها و آزاداندیشی حضرت رضاع^(ع) است. در جلسه‌های مناظره امام رضاع^(ع) علاوه بر اینکه با استدلال‌های دقیق و علمی خود از منابع مورد قبول طرف مقابل، وی را به خضوع و اذیت، با اخلاق والای خود آنان را شیفته منش و رفتار خود می‌کردند و با آنکه حضرت، مقام حکومتی بالایی داشتند، هرگز در مناظره‌های خویش به طرف مقابل اهانت و پرخاش نمی‌کردند و از تحکم و توهین پرهیز و با تحمل و بردباری سخنان، مخالفان را شنیده و آنرا نقد می‌کردند. محتوای این مناظره‌ها در کتاب‌های مختلف ثبت شده و همواره مورد استفاده متکلمان مسلمان بوده و روش‌شناسی مناظره‌های امام نیز می‌تواند راهگشای ما در هر چه بهتر برگزار کردن کرسی‌های مناظره و آزاداندیشی باشد، در این مناظره‌ها نکات ظریفی وجود دارد که بر هر اندیشمند مسلمان لازم است با الگو قرار دادن آن در اعتلای اندیشه اسلامی بکوشد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی.

ابراهیم حسن، حسن، (۱۳۶۲ش). *تاریخ سیاسی اسلام*. مترجم ابوالقاسم پابنده، تهران: جاویدان.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۷ق). *الامالی*. قم: جامعه مدرسین.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۵ق). *التوحید*. قم: جامعه مدرسین.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۹ش). *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*. مترجم صادق حسن زاده، تهران:

ارمغان طویی.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۲ش). *عیون اخبار الرضا*^(ع). مترجمان علی اکبر غفاری و حمید مستفید،

تهران: صدوق.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: جامعه مدرسین.

ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، (۱۳۶۶ش). *تحف العقول عن آل رسول*. مترجم علی اکبر غفاری، تهران:

کتابچی.

احمدی، علی بن حسین، (۱۳۶۳ش). *مکاتیب الرسول*. بیروت: دارالصعب.

الحسن، عبدالله (۱۴۱۵ق). *مناظرات فی الامامة*. قم: انوار الهدی.

اصول مناظره و آزاداندیشی با... ❖ ۱۱۳

- برنجکار، رضا، (۱۳۸۳ش). *درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی*. دفتر اول و دوم، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- برهان، محمدبن حسین، (۱۳۶۲ش). *برهان قاطع*. به اهتمام دکتر محمد معین، تهران: امیرکبیر.
- پاشا صالح، علی، (۱۳۱۷ش). *آداب المناظره*. تهران: فردوسی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، (بی تا). *غررالحکم و درالکلم*. محمدعلی انصاری قمی، قم: دارالکتاب.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۱ش). *دین شناسی*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۴ش). *فلسفه الهی از منظر امام رضا^(ع)*. مترجم زینب کربلایی، قم: اسراء.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷ش). *لغتنامه*. زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سیدجعفر شهیدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رضوانی، علی اصغر، (۱۳۸۷ش). *آداب گفتگو و مناظره از دیدگاه قرآن و روایات*. قم: دلیل ما.
- شجاعی گلپایگانی، سید زین العابدین، (۱۳۷۳ش). *زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا^(ع)*. قم: مصطفی.
- شهید ثانی (۱۳۷۴ش). *منیة المرید فی آداب المقید والمستفید*. مترجم سید محمدباقر حجتی، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- طاهری اکردی، محمدحسین، (۱۳۸۷ش). *پیشینه تاریخی گفتگوی اسلام و مسیحیت با تأکید بر دیدگاه شیعه و کاتولیک*. قم: مؤسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی^(ع).
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۶ش). *قرآن در اسلام*. تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طبرسی، احمدبن علی، (۱۳۸۶ش). *الاحتجاج*. به کوشش سیدمحمدباقر خراسانی، قم: بی نا.
- عصیری، سیدمجتبی، (۱۳۸۹ش). *آداب مناظره با وهابیت*. بی جا: رشید.
- عطاردی، عزیزالله، (۱۳۷۹ش). *اخبار و آثار حضرت امام رضا^(ع)*. تهران: انتشارات کتابخانه صدرا.
- عمادزاده، حسین، (۱۳۶۱ش). *زندگانی حضرت امام رضا^(ع)*. تهران: گنجینه محمد.
- قرشی، محمدباقر شریف، (۱۳۸۲ش). *پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا^(ع)*. مترجم سیدمحمد صالحی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قلندری بردسیری، حمید، (۱۳۷۹ش). *هشتمین امام*. قم: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان تبلیغات اسلامی.
- قمی، شیخ عباس، (بی تا). *منتهی الآمال*. مترجم ناصر باقری بیدهندی، قم: دلیل ما.

- کریمی نیا، محمدمهملدی، (۱۳۸۳ش). *همزیستی مسالمت آمیز در اسلام و حقوق بین الملل*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی مرکز امام خمینی^(ه).
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۷۵ش). *الکافی*. مترجم جواد مصطفوی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گواهی، عبدالرحیم، (۱۳۷۶ش). *درآمدی بر تاریخ ادیان در قرآن*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۳۷۶ش). *بحارالانوار*. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- محدث نوری، میرزاحسین، (۱۴۱۵ق). *مستدرک وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البیت^(ع).
- محمدزاده، مرضیه، (۱۳۸۰ش). *علی بن موسی الرضا^(ع)*. قم: دلیل ما.
- مرتضوی، سیدمحمد، (۱۳۷۵ش). *نهضت کلامی در عصر امام رضا^(ع)*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- منتظرالقائم، مهدی، (۱۳۸۶ش). *آزادی های شخصی و فکری از نظر امام خمینی^(ره) و مبانی فکری آن*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره).
- موسوی زاده، سیدمحمد، (۱۳۸۴ش). *نگرش اسلام به سایر ادیان و ملل*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.